

نامواژه جُندیشاپور؛ معنا و مفهوم آن

دکتر شهرام جلیلیان استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

ساسانیان، سازندگان بزرگ شهرها بودند و گستردگی و اهمیت شهرسازی دوره ساسانیان به خوبی در گزارش‌های تاریخی و جغرافیایی بازتاب یافته است. گزارش‌های تاریخی همداستانند که شاپور یکم (۲۴۱-۲۷۲ م.)، در بازگشت از جنگ‌های پیروزمندانه‌اش با امپراتوری روم، اسیران و کوچ‌یافتگان انطاکیه را در شهری تازه‌بنیاد به نام «وه از اندیو شاپور» (شهر شاپور بهتر از انطاکیه)، در سرزمین خوزستان جای داد. شاپور در متن فارسی میانه سنگ‌نوشته خود روی دیوار ساختمان کعبه زردشت، این شهر را «وهی انتیوک شهپوهری» خوانده، اما در متن یونانی همان سنگ‌نوشته، نام شهر «گوی آنتیوخ سابور» نوشته شده؛ یعنی در این سنگ‌نوشته، همچون نام‌های دیگری که با «و» ایرانی آغاز می‌شوند، «گ» را به جای «و» آورده‌اند. در متن‌های تاریخی و جغرافیایی دوره اسلامی، این شهر «وه از اندیو شاپور»، «گُندی‌شاپور»، «جُندی‌سابور»، و یا «جُندی‌شاپور» خوانده شده است. چون واژه فارسی میانه «گُند» به معنای «سپاه» بوده، و در زبان عربی هم «جُند»، کاملاً هم معنای خود واژه گُند می‌باشد، به اشتباه پنداشته شده که «گُندی‌شاپور/ جُندی‌شاپور» به معنای «اردوگاه شاپور» بوده است، اما در حقیقت، جُندی‌شاپور ریخت عربی شده تلفظ یونانی‌الاصل نام این شهر است، و هیچ رابطه‌ای با واژه گُند/ جُند به معنای سپاه یا اردوگاه جنگی ندارد. اگر چه گزارش‌های تاریخی همگی از ساخت جُندی‌شاپور در دوره شاپور یکم و پیوند واژه جُندی‌شاپور با نام وی سخن می‌گویند و کاوش‌های باستان‌شناختی در تپه‌های جنوب دهکده شاه‌آباد در چهارده کیلومتری جنوب شرقی دزفول که احتمالاً جای شهر جُندی‌شاپور می‌باشد، نشان می‌دهند که جُندی‌شاپور از شهرهای تازه

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۲۵

E-mail: sh.jalilian@scu.ac.ir

بُنیاد دوره ساسانیان بوده و هیچ چیزی از دوره پیش از ساسانیان به دست نیامده است، پاره‌ای از پژوهندگان - خیالافانه - عقیده دارند که تاریخ شهر جُندیشاپور به دوره‌های پیش از تاریخ! بازمی‌گردد، و جُندیشاپور ریخت دگرگون شده واژه هندی «جنتاشاپیرتا»، به معنای «باغ زیبا و دلگشا» یا «شهر زیبا و فریبنده» می‌باشد! در این جُستار کوشش خواهد شد با اشاره‌ای به چگونگی پیدایش شهر جُندیشاپور، و مطالعه دیدگاه‌های گوناگون درباره معنا و مفهوم نامواژه جُندیشاپور، معنای واقعی این نام به دست داده شود.

واژگان کلیدی: ساسانیان، شاپور یکم، انطاکیه، وه از اندیو شاپور، جُندیشاپور.

مقدمه

گزارش‌های گوناگون تاریخی همداستانند که شاپور یکم (۲۴۱-۲۷۲ م.) در بازگشت از نبردهای پیروزمندانه‌اش با امپراتوری روم (نگاه شود به: وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۶-۱۲ و ۶۶-۵۹؛ گیرشمن، ۱۳۷۹: ۲۰۹-۱۵۳؛ فرای، ۱۳۸۲: ۴۷۷-۴۷۴؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۱)، اسیران و کوچ‌یافتگان شهر انطاکیه را در شهری تازه‌بُنیاد به نام «وه از اندیو شاپور» (شهر شاپور بهتر از انطاکیه)، در خوزستان جای داد (طبری، ۱۳۵۲/ ج ۲: ۵۹۰؛ یعقوبی، ۱۳۶۶/ ج ۱: ۱۹۵؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۷؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۷۳؛ بسنجیدبا: کریستنسن، ۱۳۷۴: ۱۸۹-۱۸۸؛ Chaumont, 1985: 121-122). به گزارش متن‌های جغرافیایی دوره اسلامی، شهر وه از اندیو شاپور، یا جُندیشاپور/ جُندیشاپور، در شرق شوش و جنوب شرقی دزفول، و در میانه راه شوش به شوشتر جای داشته است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۸۴؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۱؛ ابن‌رُسته، ۱۳۶۵: ۲۲۰؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۳۰؛ بسنجیدبا: لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۵۶-۲۵۵)، و امروزه بیشتر پژوهندگان عقیده دارند که جُندیشاپور دوره ساسانیان باید در تپه‌های جنوب شرقی دهکده شاه‌آباد در جنوب شرقی دزفول بوده باشد (برای نمونه: راولینسون، ۱۳۵۵: ۴۲-۴۱؛ دیولافوا، ۱۳۸۵: ۷۰۵؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۵۶؛ گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۹۹؛ بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۰۰؛ براون، ۱۳۳۷: ۵۲؛ امام شوشتری، ۱۳۵۳: ۲۳۲؛ اقتداری، ۱۳۷۵: ۳۴۳؛ نجم‌آبادی، ۱۳۵۷: ۱۰۰؛ رجبی، ۱۳۶۹: ۱۹۳؛ Adams and Hansen, 1968, 53-70; Shahbazi, 1999, 131-133). رومن گیرشمن، باستان‌شناس بزرگ فرانسوی، در سال ۱۹۳۰ م. در دشت‌های نزدیک این دهکده، با چشمان خود دیوارهای بیرونی ساختمانی مُستطیلی را دید که نقشه آن همانند پادگان‌های رومی بود (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۹۹). بدبختانه در سال‌های بعد، زمین‌های پیرامون روستای شاه‌آباد، چنان برای فعالیت‌های

کشاورزی سُخُم زده شدند که برای همیشه نقشه کُلی مستطیلی شهر ناپدید گردید (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۹۹؛ Shahbazi, 1999: 131-133).

پژوهش‌هایی که آگاهی‌هایی درباره جُنْدیشاپور به دست می‌دهند، همداستانند که در دوره ساسانیان، آموزشگاه پزشکی و بیمارستانی در شهر جُنْدیشاپور وجود داشته که در آن نوشته‌های پزشکی یونانی و احتمالاً هندی به زبان فارسی میانه و سُریانی ترجمه می‌شده است (اولیری، ۱۳۴۲: ۱۰۸؛ براون، ۱۳۳۷: ۲۴؛ عیسی‌بک، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۵؛ صفا، ۱۳۳۶: ۲۳-۲۲؛ ممتحن، ۱۳۵۰: ۴۵-۱۳؛ امام شوشتری، ۱۳۵۳: ۲۵۶؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۲۳۱-۲۳۰؛ الگود، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۵؛ نصر، ۱۳۵۹: ۱۷۸). اگرچه پاره‌ای پژوهش‌های ارزشمند درباره تاریخ جُنْدیشاپور، و تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جُنْدیشاپور در دوره ساسانیان، و همچنین اهمیت علمی جُنْدیشاپور در دوره اسلامی و جایگاه پزشکان جُنْدیشاپوری در شکوفایی دانش پزشکی در جهان اسلام وجود دارد، اما در این پژوهش‌ها آگاهی‌های چندانی درباره معنا و مفهوم نامواژه جُنْدیشاپور به دست داده نمی‌شود، و حتی با وجود گزارش‌های گوناگون تاریخی و جغرافیایی درباره ساخت جُنْدیشاپور به دست شاپور یکم و پیوند واژه جُنْدیشاپور با نام وی، گهگاه در پاره‌ای پژوهش‌ها سُخُن‌هایی کاملاً بی‌بنیاد، خیالبافانه و بیهوده درباره نامواژه جُنْدیشاپور و معنا و مفهوم آن دیده می‌شود، که مایه پاره‌ای بدآموزی‌ها شده‌اند.

نامواژه جُنْدیشاپور در متن‌های تاریخی و جغرافیایی کهن

شاپور یکم در متن فارسی میانه سنگ نوشته خود روی دیوار ساختمان کعبه زردشت، این شهر را «وهی انتیوک شهپوهری» (Wahy 'ndywk Šhpwhr-y) خوانده، اما در متن یونانی همان سنگ‌نوشته، نام شهر «گوی آنتیوخ سابور» (Gove-Antioch-Sabur) نوشته شده؛ یعنی در این سنگ‌نوشته، همچون نام‌های دیگری که با «و» ایرانی آغاز می‌شوند، «گ» را به جای «و» آورده‌اند (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۰۴-۳۰۳). مسیحیان نسطوری از سده پنجم میلادی در نوشته‌های خود جُنْدیشاپور را به زبان سُریانی «بیث لاپات» می‌خوانده‌اند (نولدکه، ۷۱-۷۰؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۲۳۵؛ امام شوشتری، ۱۳۵۳: ۲۵۵-۲۵۴). این که واژه بیث لاپات در نوشته‌های سُریانی، باید همان نام جُنْدیشاپور در زبان مسیحیان سُریانی این شهر باشد از آنجا پیداست که از سویی، در متن‌های سُریانی بیث لاپات را مطران‌نشین نسطوریان خوزستان خوانده‌اند و از سوی دیگر، در گزارش‌های اسلامی گفته شده که جُنْدیشاپور مطران‌نشین نسطوریان خوزستان بوده است (نگاه شود به: نولدکه، ۱۳۷۸: ۷۱).

پروکوپیوس، تاریخ‌نویس رومی سده ششم میلادی، در اشاره به شورش انوشک‌زاد، فرزند مسیحی خسرو انوشه‌روان، شهر بیث لاپات/ بیلاپاتن را کانون این شورش خوانده است (همان: ۷۲) و فردوسی و دینوری در گزارش‌های خود، کانون شورش انوشک‌زاد را شهر جُندیشاپور گفته‌اند (فردوسی، ۱۳۷۴/ ج ۶: ۱۷۸۲؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۹۹-۹۸). موسی خُرنی جغرافیادان ارمنی، جُندیشاپور را «گُندیر شَپوه» (Gundir Šapuh) خوانده، و البته می‌گوید که در دوره ساسانیان، این شهر مطران نشین کلیسای نسطوری در ایران بوده و بیث لاپات هم نامیده می‌شده است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۲ و ۶۴). در متن پارسی میانه شهرستان‌های ایران‌شهر، نام این شهر «وندوی شاپور» (wandōy Šābuhr) (دریایی، ۱۳۸۹: ۴۱)، و در تاریخ تئوفیلکت سیموکاتا، تاریخ‌نویس رومی سده هفتم میلادی، «بندو سابورا» (Bendosabora) آمده است (Whitby, 1986: 112). در متن‌های تاریخی و جغرافیایی دوره اسلامی، نام این شهر با ریخت‌های گوناگونی همچون «وه از اندیو شاپور»، «به از اندیو شاپور»، «به از اندی سابور»، «وتدو شاور»، «وندی شاپور»، «جندی سابور»، «جندی شاپور»، «جندی شاپور» و ... خوانده شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۸؛ حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۸۶؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۷؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۱۱-۶۱۰؛ مجمل‌التواریخ و القصص، ۱۳۱۸: ۶۴؛ یاقوت حموی، ۱۳۷۵/ ج ۲: ۱۴۷؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۳۵۹؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۰؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۳۶ و ۱۴۷؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۸۴-۸۲؛ ابن‌رُسته، ۱۳۶۵: ۱۲۲؛ ابن‌فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۲۴ و ۴۹؛ مسعودی، ۱۳۸۲/ ج ۱: ۲۴۸؛ قفطی، ۱۳۷۱: ۱۸۴-۱۸۳).

معنا و مفهوم نامواژه جُندیشاپور

طبری در یک گزارش آمیخته با شاخ و برگ‌های داستانی درباره چگونگی ساخت شهر جُندیشاپور می‌گوید هنگامی که شاپور به منطقه جُندیشاپور آمده بود تا شهر جُندیشاپور را بنیان گذارد، در آنجا از مردی سالخورده که «بیل» نام داشت، پرسید که آیا می‌توان در آن زمین شهری ساخت؟ وی پاسخ داد: که اگر من با این سالخوردگی نوشتن بیاموزم، پادشاه هم خواهد توانست در آنجا شهری به وجود آورد! شاپور نقشه شهر را کشید و مرد سالخورده را به آموزگاری سپرد که خواندن و نوشتن و حساب بیاموزد. آموزگار به خوبی وی را آموزش داد چنانکه شاپور محاسبه هزینه‌های شهر و ثبت آنها را به وی سپرد! شاپور شهر تازه‌بنیاد خود را «به از اندیو شاپور» به معنای «شهر شاپور بهتر از انطاکیه» نامید، و آن شهری است که جُندیشاپور خوانده می‌شود، و خوزستانی‌ها آن را به نام پیرمردی که بر ساخت شهر

نظارت داشت، شهر «بیل» می‌خوانند (طبری، ۱۳۵۲/ج ۲: ۵۹۳-۵۹۲؛ شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۱۰۷). به گزارش حمزه اصفهانی، نام «جُندیشاپور» ریخت عربی‌شده نام «به از اندی سابور» می‌باشد، که معنای آن در زبان فارسی، «شهر شاپور که بهتر از انطاکیه»، بوده است (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۷). دینوری با اشاره به ساخته شدن جُندیشاپور به دست شاپور یکم برای جای دادن اسیران رومی، می‌گوید که در زبان خوزی (= خوزستانی) نام جُندیشاپور، «نیلاط» بوده، و خود مردم جُندیشاپور آن را «نیلاب» می‌خوانده‌اند (دینوری، ۱۳۷۱: ۷۳). فردوسی، حکیم بزرگ طوس هم در شاهنامه خود می‌گوید که شاپور در بازگشت از جنگ با رومی‌ها، شهر «شاپورگرد» را در خوزیان (= خوزستان) بنیان نهاده است (فردوسی، ۱۳۷۴/ج ۵: ۱۵۱۷). جمال‌الدین قفطی، در یادکرد پیشینه دانش پزشکی در «جُندی سابور» و آوازه پزشکیان «جُندیسابوری»، داستانی درباره چگونگی ساخت این شهر و معنای واژه جُندی سابور آورده، و می‌گوید که شاپور پس از گشودن سوریه و انطاکیه با امپراتور روم فیلیس (= فیلیپ) معاهده صلح و دوستی منعقد کرد و دختر وی را به همسری خود گرفت و پیش از آوردن شاهدخت رومی به ایران، شهر جُندی سابور را همانند شهر قسطنطنیه ساخت. قفطی یادآور می‌شده که جای شهر جُندی سابور روستایی متعلق به مردی به نام «جُندا» بوده که با وجود همه بخشش‌های شاپور به وی، از واگذارن زمین خود به پادشاه بزرگ خودداری ورزیده، و خواستار همباز شدن با پادشاه در ساخت شهر شده بود! شاپور چاره‌ای مگر پذیرفتن خواست مرد روستایی نداشت، و هنگامی که ساخت شهر آغاز شد، مردمانی که از نزدیکی کارگران می‌گذشتند می‌پرسیدند چه کسی این شهر را می‌سازد؟ و آنها پاسخ می‌دادند: جُندا و شاپور! و از این‌رو، شهر تازه‌بنیاد جُندا و شاپور / جُندیشاپور نام گرفت (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۸۳-۱۸۴). به گزارش ابن‌العبری، پس از معاهده صلح ایران و روم، شاپور در ایران شهری همانند بیزانس به نام جُندیشاپور برای همسر رومی خود که دختر اورلیانوس (۲۷۰-۲۷۵ م.) امپراتور روم بود، بنیاد نهاده است (ابن‌العبری، ۱۳۶۴: ۱۲۸). یاقوت حموی هم در سده هفتم هجری یادآور شده که نام حقیقی شهر «وندی شاپور / جُندیسابور»، «نیلاب» بوده، و در روزگاران گذشته «نیلاط» خوانده می‌شده است (یاقوت حموی، ۱۳۷۵/ج ۲، ۱۳۰ و ۱۴۷).

پژوهندگان امروزی هم گهگاه درباره نامواژه جُندیشاپور و معنا و مفهوم آن تفسیرهایی به دست داده‌اند، و کوشیده‌اند معنای حقیقی نام این شهر باستانی ایران را دریابند. تئودور نولدکه، در ترجمه تاریخ طبری، می‌گوید که ریخت نام «به از اندیو شاپور» و معنایی که طبری و حمزه اصفهانی برای این نام به دست می‌دهند، نادرست است و یادآور می‌شود که احتمالاً نام این شهر «وندیو شاپور» بوده است. نولدکه، خود معنایی برای نام این شهر ارائه نمی‌دهد، اما تفسیر عامه‌پسندی را که می‌گوید نامواژه

جُندی‌شاپور، ریخت عربی‌شده «گُندی‌شاپور» بوده و معنای آن «اردوگاه شاپور» می‌باشد، به سه دلیل زبان‌شناختی نادرست می‌داند؛ ۱. وجود حرف «ی» در واژه «گُندی» که اضافی است؛ ۲. حرف اوّل واژه «گُند» در زبان فارسی میانه، «گ» است نه «و»، که در اوّل نام این شهر دیده می‌شود؛ ۳. در زبان فارسی میانه، «گُند» به معنای «سپاه» است نه «اردوگاه» (نولدکه، ۱۳۷۸: ۷۱).

سید محمد علی امام شوشتری، با مقایسه گزارش‌های گوناگون درباره نام جُندی‌شاپور، عقیده دارد که: ۱. «به از اندیو شاهپور» نام شهرستان «شاپور گرد» بوده، نه نام شهر مرکزی آن، و شاپور یکم در سال ۲۳۶ م. در نزدیکی شهر کهن «نیلاب» شهرستان «شاپور گرد» را ساخته است؛ ۲. در این شهرستان از روزگاران کهن، شهری به نام «نیلاب» و به زبان خوزی «نیلاب/ نیلاط» وجود داشته، و مردم این شهر در دوره اسلامی آن را «نیلاوا» می‌گفته‌اند که گونه گفتاری واژه «نیلابه» در گویش خوزستانی است. نیل رنگ ویژه‌ای بوده که آن را از گیاه «کتَم» می‌گرفته‌اند و تا چند دهه پیش در خوزستان کاشت گیاه کتم و گرفتن رنگ نیل از آن رواج داشته است؛ ۳. در دوره شهریاری شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م.) و در هنگامه نبرد او با یولیانوس (۳۶۱-۳۶۳ م.) امپراتور روم، لشکرگاه او شهر «شاهپور گرد» بوده، و بعد از آن، مردم این شهر را «گُنده شاپور» خوانده‌اند و در نوشته‌های عربی به گونه «جُندی‌شاپور» و «جُندا سابور» درآمده است (امام شوشتری، ۱۳۵۳: ۲۵۵-۲۳۲).

دنیل تی پاتس، به دست‌آویز نام رودخانه «گُندی‌سوس» (Gondeisos) در دو سنگ‌نوشته یونانی یافته‌شده از شوش گمان دارد که نام گُندی‌شاپور/ جُندی‌شاپور باید بازتاب نام ایرانی «گُند - دز» (gund-dēz*) به معنای دژ یا اردوگاه جنگی باشد که نام خود را به این رودخانه داده است. به گفته پاتس، این «گُند - دز» (دژ جنگی) پیش از ساسانیان وجود داشته و هنگامی که شاپور به بازسازی آن پرداخته، به آن نام «گُند دز شاپور» (Gundēz/Gund-deēz-i Šāpur) داده شده و آنگاه که کوچ‌یافتگان انطاکیه را در آنجا فرود آورده‌اند، گُند دز شاپور، «شهر شاپور بهتر از انطاکیه» نامیده شده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۶۴۰-۶۳۹؛ Potts, 1989; 323-35).

دیدگاه دیگری می‌گوید جُندی‌شاپور تاریخی کهن دارد و به دوره‌های پیش از تاریخ! بازمی‌گردد و نام اولیه آن «جنتاشاپیرتا» (Genta Shapirta) به معنای «باغ زیبا و دلگشا» بوده است! آنگاه در پایان سده سوم میلادی، پس از آن که شاپور یکم، پادشاه ساسانیان، در جنگ با رومی‌ها والریانوس (۲۵۳-۲۶۰ م.) امپراتور روم را شکست داد و شهر انطاکیه را گشود، این شهر دوباره ساخته شد و به آن نام «وه از اندیو شاپور» به معنای «بهتر از انطاکیه شاپور» دادند، و جُندی‌شاپور، که در دوره اسلامی نامی شناخته شده برای این شهر شد، احتمالاً ریخت ساده‌شده آن نامی است که شاپور یکم به آن داده

بود، اما یادآور نام کهن شهر هم می‌باشد (نصر، ۱۳۵۹: ۱۷۸؛ الگود، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۶؛ نخعی، ۱۳۶۴: ۲۶۴؛ شعانی، ۱۳۸۱: ۱۰۰-۹۹). به عقیده کارل هومل، پژوهنده آلمانی، واژه «جتنا» با واژه سنسکریت «کانتی» به معنای «زیبایی، جذابیت، و فریندگی» پیوند دارد که در نام پاره‌ای از شهرهای هند هم دیده می‌شود. به گمان وی، ایرانیان دوره ساسانیان، در زبان‌های ایرانی میانه، احتمالاً کانتی را «گندی» تلفظ می‌کرده‌اند، و از این‌رو، معنای نام «گُندیشاپور»، «شهر زیبا» و یا «شهر فریبنده» خواهد بود! (گویری، ۱۳۸۰: ۵-۲). پافشاری بیهوده پژوهندگان در ساخت تاریخ کهن‌تری برای جُندیشاپور، و البته کوشش برای کهنه نمایاندن نام جُندیشاپور، گهگاه شاخ و برگ‌های زیادی به خود می‌گیرد و به خیالیافی نزدیک می‌شود! چنان که حتی گفته می‌شود جُندیشاپور در دوره ایلامی‌ها شهر مهمی بوده و نام کهن تر جُندیشاپور، «جتناشاپیرتا» یا «جتناشاپیر»، نامی هندی می‌باشد که اشاره به توطُن هندی‌ها در خوزستان از شش هزار سال پیش از میلاد به این سو، و نامگذاری شهر به دست آنها دارد! حتی این بزرگان و فرهیختگان هندی بودند که چون آگاهی‌هایی درباره پزشکی، داروسازی، ستاره‌شناسی و فلسفه داشتند، شهر علمی جنتاشاپیرتا را به وجود آوردند و پذیرای دانشمندان یونانی و رومی شدند! هندی‌های کوچنده به خوزستان، منطقه حاصلخیز و زیبای جُندیشاپور را که یادآور سرزمین پدری آنها بود، جنتاشاپیرتا یا جنتاشاپیر به معنای «باغ زیبا» یا «باغ فریبنده» نامیدند! این خیالیافی‌ها که هیچ‌گونه پشتوانه تاریخی و باستان‌شناختی و زبان‌شناختی ندارند، هنگامی شگفت‌انگیزتر می‌گردد که با وجود گزارش‌های روشن همه متن‌های جغرافیایی و تاریخی دوره اسلامی درباره شهر جُندیشاپور در خوزستان، گفته می‌شود دو شهر جداگانه به نام جُندیشاپور در خوزستان وجود داشته است یکی در نزدیکی دهکده شاه‌آباد در جنوب شرقی دزفول بوده و دیگری «گُندیشاپور» یا «شاپورگرد» که شوشتر امروزی است! و گفته می‌شود که شاید! ساسانیان در شوشتر پادگانی ساخته‌اند و یا پادگان کهن این شهر که شاید! از دوره ایلامی‌ها بوده، تقویت و راه‌اندازی کرده‌اند و اکنون شوشتر که با این پادگان ارتباط تنگاتنگی یافته بود، «گُندی شاپور» یا «جایگاه ارتش شاپور» نام نهاده‌اند! اما بعید نیست که نام شهر، گنده‌شاپور!، به معنای «شهر شاپور بزرگ»! بوده باشد! و البته هنگامی که اسیران رومی و ایرانی‌های شوشتر را دوباره ساخته‌اند، شهر «وه از اندیو شاپور» (= شهر شاپور بهتر از انطاکیه) خوانده شده است! و دانشگاه و بیمارستان شناخته‌شده جُندیشاپور هم در حقیقت، در شهر شوشتر بوده است! و سرانجام اگر گفته می‌شود که مانی پیغامبر را پوست کنده‌اند و از دروازه شهر جُندیشاپور آویخته‌اند، در حقیقت، در یکی از دروازه‌های شهر شوشتر/ گُندی‌شاپور به دار آویخته شده، که چون این دروازه به

سوی شهر جنتاشاپیرتا/ جُندیشاپور گشوده بود، دروازه جُندیشاپور خوانده می‌شده است! (خدائی، ۱۳۸۸: ۶۳-۵۵).

چنان‌که گفته شد، شاپور خود در سنگ‌نوشته کعبه زردشت، نام جُندیشاپور در متن فارسی میانه «وهی انتیوک شهپوهری» و در ترجمه یونانی آن «گوی آنتیوخ سابور» آورده است. به سخن دیگر، در نوشتن نام این شهر، همچون نام‌های دیگری که با «و» ایرانی آغاز می‌شوند، «گ» را به جای «و» آورده‌اند. نتیجه این‌که، نام‌های وهی انتیوک شهپوهری/ گوی آنتیوخ سابور/ وه از اندیو شاپور/ گُندیشاپور/ جُندیشاپور، هیچ پیوندی با واژه فارسی میانه «گُند»، و ریخت عربی‌شده آن «جُند»، به معنای «سپاه» ندارد، و نامواژه جُندیشاپور، در حقیقت، ریخت عربی‌شده تلفظ یونانی‌الاصل نام این شهر می‌باشد، و هیچگونه رابطه و پیوندی با گُند/ جُند به معنای «سپاه» یا «اردوگاه جنگی» ندارد، از این‌رو، معنای حقیقی نام وهی انتیوک شهپوهری/ گوی آنتیوخ سابور، چیزی مگر «شهر شاپور بهتر از انطاکیه» نیست، که در گذشته هم طبری و حمزه اصفهانی به آن اشاره کرده‌اند (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۰۳-۳۰۴). همچنین باید یادآور شد که نام «بیل» احتمالاً ریخت کوتاه‌شده واژه سُرِیانی بیث لاپات/ بیل‌فاد بوده، که در گفتار مردم بومی «بیل» شده، و به اشتباه نام‌های دیگری همچون بیل‌آباد، نیل‌آباد و ... را از آن ساخته‌اند (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۳۲؛ بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۰۰؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۷۱-۷۰). از این‌رو، افسانه همبازی شاپور و مرد سالخوردی‌ای به نام «بیل» در ساخت شهر جُندیشاپور، چیزی مگر تعبیر عامیانه نامی کهن، و داستانی ساخته و پرداخته مردم برای نشان دادن نام وهی انتیوک شهپوهری/ جُندیشاپور نیست (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۳۲).

در دوره ساسانیان، این شیوه نامگذاری شهرها کاملاً رواج داشته است، و شگفتا که شماری از پژوهندگان با وجود همه متن‌های تاریخی بیهوده کوشیده‌اند معنایی تازه برای نامی شناخته‌شده بتراشند! ساسانیان شهرهای زیادی در گستره ایرانشهر ساختند، و گسترده‌گی شهرسازی دوره ساسانیان به روشنی در گزارش‌های تاریخی بازتاب یافته است (نگاه شود به: آلتهایم و استیل، ۱۳۸۲: ۲۰۱۳-۱۳؛ دریایی، ۱۳۸۳: ۱۲۱-۱۱۹). آنها علاقه زیادی به بنیان‌گذاری شهرها و گذاشتن نام خود روی شهرهای تازه‌بنیاد داشتند، اگرچه همیشه ساختن شهرها از هیچ نبود، و گهگاه تنها به نوسازی کاخ و پاره‌ای ساختمان‌های شهرهای کهنه بسنده می‌شده است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۸۴). اشاره‌ای فهرست‌وار به نام شهرهایی همچون اردشیر خرّه؛ به اردشیر؛ بهمن اردشیر؛ رام اردشیر؛ رام هرمزد اردشیر؛ هرمزد

اردشیر؛ بوذ اردشیر؛ وهشت اردشیر؛ شاذ شاپور؛ شاپور خواست؛ بلاش شاپور؛ پیروز شاپور؛ بیشاپور، نیشاپور؛ وهشت هرمز، خرّه شاپور، رام پیروز؛ روشن پیروز؛ بلاش آباد؛ ایران شاد کواد؛ به از آمد کواد؛ به از اندیو خسرو، خسرو شاپور؛ خسرو شاد؛ خسرو مست آباد؛ ویسپ شاد خسرو؛ هوبوی خسرو؛ شاد فرخ خسرو؛ ایران کرد شاپور؛ ایران آسان کرد کواد، خسرو شاذ کواد ایران؛ وینارد کواد؛ وه کواد (اصفهان، ۱۳۴۶: ۵۴-۴۴؛ شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۴-۳۸ و ۴۹۳-۴۹۲؛ دریایی، ۱۳۸۹: ۹۳-۳۷؛ کریستنسن، ۱۳۷۴: ۱۴۶ و ۳۱۱-۳۱۰؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۲۳۸-۲۱۵)، به خوبی نشان می‌دهند که چگونه فرمانروایان دوره ساسانی همچون اردشیر، شاپور، هرمزد، بلاش، پیروز، قباد و خسرو، نام خود را روی شهرهای تازه بنیاد یا نوسازی شده می‌نهادند. خوشبختانه یک نمونه کاملاً شناخته شده این سنت نامگذاری شهرها در دوره ساسانیان، در شناخت معنا و مفهوم نامواژه جُندیشاپور سودمند است و همه چون و چراها را درباره معنای حقیقی این نامواژه از بین می‌برد. گزارش‌های تاریخی می‌گویند که در بهار سال ۵۴۰م. سپاهیان خسرو انوشه‌روان (۵۳۱-۵۷۹م.) به شهرهای سرزمین سوریه تاختند و شهر انطاکیه در کنار رودخانه اورتس را گشودند، و پادشاه ایرانی همچون روزگار شاپور یکم، اسیران و کوچ‌یافتگان شهر انطاکیه را در شهری تازه بنیاد به نام «وه از اندیو خسرو» در نزدیکی تیسفون جای داد (طبری، ۱۳۵۲/ج ۲: ۶۴۹؛ یعقوبی، ۱۳۶۶/ج ۱: ۲۰۳؛ بلعمی، ۱۳۸۵: ۶۸۰؛ مجمل‌التواریخ و القصص، ۱۳۱۸: ۷۶؛ بسنجید با: کریستنسن، ۱۳۷۴: ۵۱۱-۵۱۰؛ Chaumont, 1985: 123-124). این شهر که یکی از شهرهای هفتگانه تیسفون، تختگاه ساسانیان بوده، عرب‌ها «الرومیه»، و ایرانیان «رومگان» می‌گفته‌اند و البته نام رسمی آن «وه انتیوخ خسرو» بوده، که در گزارش‌های تاریخی به شکل «به از اندیو خسرو»، «وه گندیو خسرو» و یا «وه جُندیو خسرو» آمده است (یاقوت حموی، ۱۳۷۵/ج ۲: ۱۳۰؛ شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۶۲ و ۲۶۷-۲۶۶؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۹۵؛ محمدی ملایری، ۱۳۵۰: ۳-۴؛ Chaumont, 1985: 123-124). چنانکه پیداست نام این شهر هم همچون وهی انتیوک شهپوهری/ جُندیشاپور، اشاره به خواست و آرزوی یک پادشاه ایرانی برای ساخت شهری شکوهمندتر از شهر انطاکیه و البته نامگذاری شهر تازه بنیاد به نام پادشاه سازنده آن - دارد، و معنای آن «شهر خسرو بهتر از انطاکیه» می‌باشد. خوشبختانه پژوهندگان دیگر نکوشیده‌اند با تجزیه و تحلیل واژه‌هایی چون گندیو خسرو و یا جُندیو خسرو و ارتباط دادن آن با گُند و جُند، معنایی تازه برای نام این شهر بتراشند، و مثلاً آن را «اردوگاه خسرو» یا چیز ساختگی دیگری معنا کنند!

نتیجه

با وجود گزارش‌های تاریخی و جغرافیایی کهن دربارهٔ ساخت شهری به نام وهی انتیوخ شهپوهری/ وه از اندیو شاپور/ جُندی‌شاپور در دورهٔ شاپور یکم برای سکونت اسیران و کوچ‌یافتگان شهر انطاکیه، و این حقیقت که، کاوش‌های باستان‌شناختی در تپه‌های دهکدهٔ شاه‌آباد در جنوب شرقی دزفول که احتمالاً جای شهر جُندی‌شاپور است، نشان می‌دهند که جُندی‌شاپور از شهرهای تازه‌بنیاد دورهٔ ساسانیان بوده و هیچ چیزی از دورهٔ پیش از ساسانیان در محوطهٔ تاریخی جُندی‌شاپور به دست نیامده، هنوز پاره‌ای از پژوهندگان خیالبافانه عقیده دارند که تاریخ شهر جُندی‌شاپور به دوره‌های پیش از تاریخ! و یا دورهٔ ایلام بازمی‌گردد، و جُندی‌شاپور ریخت دگرگون شدهٔ واژهٔ هندی «جنتاشاپیرتا»، به معنای «باغ زیبا و دلگشا» یا «شهر زیبا و فریبنده» است! پاره‌ای از پژوهندگان هم نامواژهٔ «جُندی‌شاپور»، و ریخت عربی‌شدهٔ آن، «جُندی‌شاپور» را به معنای «اردوگاه شاپور» انگاشته‌اند، چرا که در زبان فارسی میانه «گُند» به معنای «سپاه» است، که در زبان عربی «جُند» شده، و کاملاً هم معنای خود واژهٔ گُند می‌باشد. اما، شاپور یکم بنیان‌گذار شهر جُندی‌شاپور، در سنگ‌نوشتهٔ خود روی دیوار ساختمان کعبهٔ زردشت، این شهر را «وهی انتیوک شهپوهری» خوانده، و در متن یونانی همان سنگ‌نوشته نام شهر «گوی آنتیوخ سابور» آمده، یعنی همچون نام‌های دیگری که با «و» ایرانی آغاز می‌شوند، «گ» را به جای «و» می‌آورد. نتیجه این که، نام وهی انتیوک شهپوهری/ وه از اندیو شاپور/ جُندی‌شاپور/ جُندی‌شاپور، هیچ رابطه‌ای با واژهٔ فارسی میانهٔ گُند، و ریخت عربی آن جُند، به معنای سپاه ندارد، و نامواژهٔ جُندی‌شاپور در حقیقت، ریخت عربی شدهٔ تلفظ یونانی‌الاصول نام این شهر می‌باشد، و هیچ پیوندی با گُند/ جُند به معنای «سپاه» یا «اردوگاه جنگی» ندارد، و نام وهی انتیوک شهپوهری/ گوی آنتیوخ سابور/ وه از اندیو شاپور، و یا جُندی‌شاپور، یک معنا بیش‌تر ندارد و آن «شهر شاپور بهتر از انطاکیه» است.

یادداشت‌ها:

۱- برای دیدگاه‌های گوناگون دربارهٔ چگونگی ساخت جُندی‌شاپور نگاه شود به: طبری، ۱۳۵۲/ ج ۲: ۵۹۲-۵۹۳؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۷۳؛ فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۵۱۷؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۷؛ ابن‌العبری، ۱۳۶۴: ۱۲۸؛ قفطی، ۱۳۷۱: ۱۸۳-۱۸۴؛ یاقوت حموی، ۱۳۷۵: ج ۲/ ۱۴۷؛ بسنجید با: امام شوشتری، ۱۳۵۳: ۲۳۲-۲۵۵؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۷۱؛ بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۰۰؛ ممتحن، ۱۳۵۰: ۱۳-۲۳؛ شعبانی، ۱۳۸۱: ۹۸-۱۰۲. همچنین کاوش‌های باستان‌شناختی در ویرانه‌های دهکدهٔ شاه‌آباد،

نشان داده که جُنْدِشاپور از شهرهای تازه بنیاد ساسانی بوده و نشانه‌ای که کهنگی این شهر را به دوره پیش از ساسانیان رساند، به دست نیامده است: Adams and Hansen, 1968, 53-70; Shahbazi, 1999, 131-133.

۲- نگاه شود به: آذرنوش، ۱۳۷۴: ۶۰۲-۶۰۶؛ امام شوشتری، ۱۳۵۳: ۲۳۲-۲۵۵؛ ریشر، ۱۳۷۵: ۴۳۴-۴۳۸؛ سوج اسمیت، ۱۳۷۹: ۶۰۹-۶۲۱؛ شعبانی، ۱۳۸۱: ۹۸-۱۰۹؛ همو، ۱۳۸۲: ۱۲۵-۱۴۸؛ الگود، ۱۳۸۶: ۵۳-۷۷؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۲۲۹-۲۵۳؛ محمدی ملایری، ۱۳۵۰: ۱-۲۱؛ همو، ۱۳۷۴: ۲۲۹-۲۵۳؛ ممتحن، ۱۳۵۰: ۱۳-۶۳؛ نخعی، ۱۳۶۴: ۲۶۴-۳۰۵؛ Richter, 1999, 133-135.

۳- برای نمونه نام یک مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی جندیشاپور اهواز، «جنتاشاپیر» می‌باشد! و در توضیح این نام، به خوانندگان یادآور شده اند «نام این نشریه «جنتاشاپیر» برگرفته از کلمه «جنتاشاپیرتا» به معنی باغ سرسبز و زیباست که بعدها به جندیشاپور تغییر یافت و اشاره به منطقه خوزستان کنونی دارد، سرزمینی که زمانی سرفرازانه یکه‌تاز طب و آموزش آن در سراسر دنیا بوده است!»

۴- اشاره قفطی به همانندی نقشه جُنْدِشاپور با شهر قسطنطنیه باید اشتباه باشد، چراکه کُنْستانتین بزرگ (۳۰۶-۳۳۷ م.) امپراتور همروزگار شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م.)، کُنْستانتینوپولیس (در عربی: قُسْطَنْطِیْه) را در سال‌های ۳۲۴ تا ۳۳۰ میلادی، در جای شهر یونانی بیزانتیوم ساخت (دوبلوس و وان در اسپک، ۱۳۷۹: ۴۰۸).

۵- باید یادآور شد که پاره‌ای از پژوهندگان نامواژه جُنْدِشاپور، و ریخت عربی‌شده آن، جُنْدِشاپور را به معنای «اردوگاه شاپور» انگاشته‌اند، چراکه در زبان فارسی میانه «گند» به معنای «سپاه» است که در زبان عربی جُنْد شده، و کاملاً هم معنای خود واژه گند می‌باشد.

۶- با همه فریبندگی گفته‌های پاتس، کاوش‌های باستان‌شناختی در ویرانه‌های دهکده شاه آباد، نشان می‌دهند که جُنْدِشاپور از شهرهای تازه‌بنیاد ساسانی بوده و نشانه‌ای که کهنگی این شهر را به دوره پیش از ساسانیان رساند، به دست نیامده است. برای این کاوش‌ها نگاه شود به: Shahbazi & Richter, 1999: Gondēšāpur (534).

سوی دیگر، پاتس نادیده انگاشته که واژه وهی (به) ایرانی هم در نام این شهر و هم در نام شهر «به اردشیر»، در زبان یونانی «گ» آمده و «وهی» تبدیل به «گوی» شده است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۰۴-۳۰۳).

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۴) *آل بُخْتِشِوَع*. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. جلد ۱. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. ص ۶۰۲-۶۰۶.
- آلتهایم، فرانتس و استیل، روت (۱۳۸۲) *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*. ترجمه هوشنگ صادقی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن‌العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن (۱۳۶۴) *تاریخ مختصر الدول*. ترجمه محمد علی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی. تهران: انتشارات اطلاعات.

- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶) *سفرنامه ابن حوقل* (ایران در صوره الارض). ترجمه جعفر شعار. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله بن احمد (۱۳۷۱) *مسالك و ممالک*. ترجمه سعید خاکرند. تهران: میراث ملل.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵) *الاعلاق النفیسه*. ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن عمر بن اسحق (۱۳۴۹) *ترجمه مختصر البلدان* (بخش مربوط به ایران). ترجمه ح. مسعود. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالفداء، عماد الدین اسماعیل (۱۳۴۹) *تقویم البلدان*. ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۷۳) *ممالک و مسالك*. ترجمه محمد بن اسعد عبدالله توستری. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶) *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- اقتداری، احمد (۱۳۷۵) *آثار و بناهای تاریخی خوزستان*. جلد ۱. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی نشر اشاره.
- امام شوشتری، سید محمد علی (۱۳۵۳) *دانشگاه شاپورگرد*. دوازده مقاله تاریخی. به کوشش یحیی شهیدی. تهران: چاپخانه ارتش شاهنشاهی. ص ۲۳۲-۲۵۵.
- اولیری، دلیسی اونز (۱۳۴۲) *انتقال علوم یونانی به عالم اسلام*. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بارتولد، ولادیمیر (۱۳۵۸) *جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه حمزه سرداور. تهران: انتشارات توس.
- براون، ادوارد (۱۳۳۷) *طب اسلامی*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۸۵) *تاریخ بلعمی*. به تصحیح محمدتقی بهار (ملک الشعراء). به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات زوآر.
- پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵) *باستان‌شناسی ایلام*. ترجمه زهرا باستی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

- پیگولوسکایا، ن (۱۳۷۷) *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حدود العالم (۱۳۷۲) ترجمه میرحسین شاه. به تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام. تهران: دانشگاه الزهراء.
- حموی الرومی البغدادی، شهاب‌الدین یاقوت بن عبدالله (۱۳۷۵) *مُعجم البلدان*. المجلد الثاني. بیروت: دار بیروت للطباعة و النشر.
- خدائی، محمدزمان (۱۳۸۸) *نگاهی نو به شهری کهن*. پژوهش‌های تاریخی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. سال چهل و پنجم. دوره جدید. شماره چهارم. ص ۵۵-۶۴.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳) *شاهنشاهی ساسانی*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس.
- _____ (۱۳۸۹) *شهرستانهای ایران شهر*. ترجمه شهرام جلیلیان. تهران: انتشارات توس.
- دوبلویس، لوکاس و وان دراسپک، روبرتوس (۱۳۷۹) *دیباچه‌ای بر جهان باستان*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱) *اخیار الطوال*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی.
- دیولافوا، ژان (۱۳۸۵) *ایران، کلد و شوش*. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راولینسون، هنری (۱۳۵۵) *سفرنامه هنری راولینسون به لرستان*. ترجمه اسکندر امان‌الهی. خرم‌آباد: انتشارات ادب.
- رجبی، صفر (۱۳۶۹) *نگاهی به خرابه‌های جُنْدیشاپور*. تحقیقات جغرافیایی. شماره پنجم. ص ۱۹۱-۱۹۴.
- ریشتر، برنورگ (۱۳۷۵) *تختیشوغ*. دانشنامه جهان اسلام. جلد ۲. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی. ص ۴۳۴-۴۳۸.
- سوج اسمیث، امیلی (۱۳۷۹) *پژشکی؛ ۴. پژشکی در دوره اسلامی*. دانشنامه جهان اسلام. جلد ۵. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی. ص ۶۰۹-۶۲۱.

- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۹) *تاریخ ساسانیان*: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۱) *جندی‌شاپور و سهم آن در انتقال علوم به جهان اسلام* (۱). نامه انجمن. سال دوم. شماره چهارم. ص ۹۸-۱۰۹.
- _____ (۱۳۸۲) *جندی‌شاپور و سهم آن در انتقال علوم به جهان اسلام* (۲). نامه انجمن. سال سوم. شماره اول. ص ۱۲۵-۱۴۸.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴) *مبانی تاریخ ساسانیان*. ترجمه کیکاوس جهان‌داری. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱) *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم*. جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲) *تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)*. جلد ۲. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- عیسی‌بک، احمد (۱۳۸۴) *تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام*. ترجمه نورالله کسائی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۳) *تاریخ باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۴) *شاهنامه فردوسی*. جلد ۷. به تصحیح ژول مول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- قفطی، جمال‌الدین علی بن یوسف (۱۳۷۱) *تاریخ الحکماء قفطی* (ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری). به کوشش بهین‌داری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کریستنسن، آرتور امانوئل (۱۳۷۴) *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- الگود، سیریل (۱۳۸۶) *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه باهر فرقانی. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- گویری، سوزان (۱۳۸۰) *درباره تاریخچه بنای جندی‌شاپور*. مجله دانش و مردم. شماره پنجم. ص ۲-۵.

- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹) *بیشاپور*. جلد ۲. ترجمه اصغر کریمی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- لسترنج، گای (۱۳۷۷) *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مارکوات، یوزف (۱۳۷۳) *ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- مُجمل التواریخ و القصص (۱۳۱۸) به تصحیح ملک‌الشعراء بهار. تهران: چاپخانه کلاله خاور.
- محمدی مالیری، محمد (۱۳۵۰) *دانشگاه جُندی‌شاپور در قرن‌های نخستین اسلامی*. مقالات و بررسیها. نشریه گروه تحقیقاتی دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دفتر پنجم و ششم. ص ۱-۲۱.
- _____ (۱۳۷۴) *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*. تهران: انتشارات توس.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲) *نزهة القلوب*. به اهتمام و تصحیح گای لسترنج. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۲) *مُروج الذهب و معادن الجواهر*. جلد ۲. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱) *احسن التقاسیم فی معرفت الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- ممتحن، حسینعلی (۱۳۵۰) *سرگذشت جُندی‌شاپور*. اهواز: انتشارات دانشگاه جُندی‌شاپور.
- نجم‌آبادی، محمود (۱۳۵۷) *تاریخ طب در ایران پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نخعی، حسین (۱۳۶۴) *گُندی‌شاپور، دانشگاه ساسانی*. نامواره دکتر محمود افشار. جلد ۱. تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی. ص ۲۶۴-۳۰۵.
- نصر، سید حسین (۱۳۵۹) *علم و تمدن در اسلام*. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- نولدکه، تئودور (۱۳۷۸) *تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

وینتر، انگلبرت و بئاته دیگناس (۱۳۸۶) *روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی*. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
 یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۶۶) *تاریخ یعقوبی*. جلد ۱. ترجمه محمد ابراهیم آبتی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

Chaumont, M. L., (1985). "Antioch". *Encyclopaedia Iranica*. edited by: Ehsan Yarshater. Routledge & Kegan Paul. Vol. II. pp. 119-125.

Potts, Daniel T., (1989). "Gundešapur and *Gondeisos*". in *Mélanges P. Amiet II*. *Iranica Antiqua* 24. pp. 323-35.

Richter, Lutz, (1999). "Gondēšāpur: ii. History and Medical School". *Encyclopaedia Iranica*. ed. by: E. Yarshater. London and New York: Routledge and Kegan. Vol. XI. pp. 133-135.

Adams, Robert McC. and Donald P. Hansen, (1968). "Archeological Reconnaissance and Soundings in Jundi Shahpur". *Ars Orientalis* 7. pp. 53-70.

Shahbazi, A, (1999). "Gondēšāpur: i. The City". *Encyclopaedia Iranica*. ed. by: E. Yarshater. London and New York: Routledge and Kegan. Vol. XI, pp. 131-133.

Whitby, Michael and Mary, (1986). *The History of Theophyact Simocattaan; An English Translation With Introduction and Notes*. Oxford University Press.